

سبک زندگی حضرت خدیجه (سلام الله علیها)

فاطمه و کیلی^۱طیبه جهان تاب^۲

چکیده

سبک زندگی از جمله اموری است که نیاز تمام انسان هاست. سبک های زندگی متفاوتی در هر کجای جهان وجود دارد که هیچ کدام کامل و جامع نیست و ایراداتی به آن وارد است. با توجه به این مسئله باید به سراغ سبک زندگی اسلامی رفت؛ چراکه اسلام برنامه ای کامل برای زندگی انسان ارائه کرده است. سبک زندگی، نیاز به الگوی عملی دارد تا تصور نشود که عمل به دستورات اسلام در زندگی کار دشواری است. حضرت خدیجه (سلام الله علیها) یکی از چهار زن برتر جهان هستند که می تواند الگویی شایسته برای زنان و مردان جامعه باشند؛ زیرا سبک زندگی اسلامی ایشان مانند فانوس می تواند ما را برساند به آنچه که باید برسیم. در این مقاله با روش توصیفی تحلیلی سبک زندگی حضرت خدیجه در دو بعد معنوی و مادی بررسی شده است. از دستاوردهای پژوهش این است یاد خدا، بخشندگی و سخاوت، شریک و مشاور و صبر بر مشکلات، سبک زندگی حضرت خدیجه در بعد معنوی است. در بعد مادی می توان از قدرت مدیریت، ابتکار و استقلال جویی، هدف داری و فداکاری، حق جویی و حق پذیری و درایت و خردمندی نام برد.

واژگان کلیدی: سبک زندگی، حضرت خدیجه، الگو.

^۱. طلبه سطح دو، مدرسه علمیه حضرت زینب کبری (سلام الله علیها)، fvakili@gmail.com

^۲. طلبه سطح سه، مؤسسه آموزش عالی امام حسین (علیه السلام)، jahantabtaebah@gmail.com

مقدمه

انسان برای اداره زندگی خویش در آن جهت که زندگی شاد و آرامی داشته باشد و به سعادت ابدی برسد، نیازمند برنامه‌ای است که علاوه بر داشتن این ویژگی‌ها، راه و روش مقابله با مشکلات را نیز در برداشته باشد تا از تلخی‌های آن بکاهد و آرامش انسان را بر هم نزند.

از این رو باید به سراغ زندگی بانویی رفت که در ابتدا از ثروتمندترین زنان زمان خودش بود. او تمام دارایی خودش را در راه خداوند فدا کرد و مشکلات زندگی در کنار پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) را با جان و دل پذیرفت؛ چراکه مقصد و هدف او این دنیا نبود، بلکه آخرت را منزلگاه حقیقی خود می‌دانست و حتی در دنیا هم بهترین زندگی را برای خودش و پیامبر رقم زد. این مقاله در صدد بیان سبک زندگی حضرت خدیجه (سلام الله علیها) در دو بعد مادی و معنوی است.

سبک زندگی حضرت خدیجه در بعد معنوی:

۱. یاد خدا

حضرت خدیجه (سلام الله علیها) در زندگی خود همواره به یاد خدا بود و اذکار بر زبانش جاری بود و لحظه‌ای از یاد خداوند غافل نمی‌شد ایشان سر آمده زنان نیایشگر بود و حتی ایشان دو حرز مخصوص خود داشت که مرتباً آن ذکرها را زمزمه می‌کرد از جمله:

«بسم الله الرحمن الرحيم؛

یا حی یا قیوم برحمتک استغیث و فاغثنی، و لا تکنی الی نفسی طرفه عین ابیداً، واصلح شانی کله : به نام خداوند بخشنده بخشایشگر، ای خدای زنده و استوار به رحمت پناهنده شدم به من پناه بده و مرا هرگز به اندازه یک چشم بر هم زدن به خودم وامگذار همه حال و زندگی من را سامان ببخش» (سید بن طاووس، علی بن موسی، منهج الدعوات، صفحه ۵؛ کفعمی، ابراهیم بن علی، مصباح کفعمی، صفحه ۳۰۲؛ سید ابن طاووس، علی بن موسی، الاقبال، صفحه ۱۳۷).

دومین حرز ایشان:

«بسم الله الرحمن الرحيم؛

یا الله یا حافظ یا حفیظ یا رقیب : به نام خداوند بخشنده بخشایشگر! ای خدا! ای نگهبان، ای نگهدارنده مراقب و پاسدار» (همان).

حضرت خدیجه (سلام الله علیها) می دانست زندگی با یاد خدا باعث آرامش می شود و زندگی را شیرین و دلنشین می کند.

۲. بخشندگی و سخاوت

حضرت خدیجه (سلام الله علیها) دارای ثروت بسیار زیادی بودند اما تمام این ثروت را در راه دین بخشیدند، نمونه بارز بخشندگی و سخاوت حضرت خدیجه (سلام الله علیها) از همان زمانی که این پیوند مقدس شکل گرفت بیشتر به چشم می خورد، مخصوصاً آن جایی که حضرت به ورقه گفت: «هر چه در دست من است از مال و عبد و... هدیه کردم به محمد هر طور که می خواهد تصرف کند.»

پس ورقه فریاد زد: «ای جماعت عرب، خدیجه خودش و مالش و بنده هایش و تمام آنچه در ملک او است را به پیامبر هدیه کرد.»

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز در مورد بخشش و بزرگی او فرمایشاتی دارند از جمله: «ما رایت من صاحبه لاجیر خیرا من خدیجه، مالنا نرجع انا و صاحبی الا وجدنا عندنا تحفه من طعام تحباه لنا؛

من کارفرمایی پرمهر تر و حق شناس تر و بهتر از خدیجه نسبت به کارکنان و کارگزارانش ندیدم هرگاه من به دوستم از پس کار پیش می رفتیم می دیدیم غذای گوارا برای ما آماده کرده و آن را به ما هدیه می داد و بزرگ منشانه و انسانی رفتار می کرد» (ابن سید الناس، ابوالفتح محمد یعمری، عیون الاثر، جلد ۱، صفحه ۶۴؛ یاقوت حموی، شهاب الدین ابی عبدالله، معجم البلدان، جلد ۱، صفحه ۲۱۱؛ بیقهی، احمد بن حسین دلایل النبوی، جلد ۱، صفحه ۹۰).

در جریان محاصره چند ساله پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به همراه یاران هاشمی و دیگران در دره ابوطالب یکی از عوامل پایداری پیامبر و مردم با ایمان، بخشندگی و بزرگ منشی و سخاوت جناب ابوطالب «علیه السلام» و جهاد مالی حضرت خدیجه (سلام الله علیها) بود که گفته اند: «ابوطالب و خدیجه برای نجات مردم، همه ثروت و امکاناتشان را در این راه خرج کرده اند.» (راوندی قطب الدین، الخرانج و الجوائج، جلد ۱، صفحه ۸۵؛ مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، جلد ۱۹، صفحه ۱۶).

بر این اساس است که در تاریخ بسیار آمده: همین افتخار و شرافت که برترین افتخار و شرافت است برای خدیجه بس که آیین اسلام پا نگرفت و کمر راست نکرد، مگر با ثروت خدیجه و شمشیر علی؛ چنان که این مطلب به طور متواتر نقل شده است.» (مامقانی، عبدالله بن محمد حسن، تنقیح المقال فی احوال الرجال، جلد ۳، صفحه ۷۷).

این آیین و سبک زندگی خدیجه (سلام الله علیها) در طول عمرش بود که آنجا که باید هر چه را داشت می بخشید و دستگیر همگان بود.

۳. شریک و مشاور همه

مشارکت و همکاری در خانواده خود یک نوع محبت کردن است که زندگی را بسیار شیرین می کند. حضرت خدیجه (سلام الله علیها) شریک و مشاور واقعی پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) بودند و همواره به ایشان در تمام مشکلات یاری می رساندند، مخصوصاً در دغدغه هایی که پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) داشتند، وزیری توانمند و کارآمد بودند. هر حادثه ای که موجب ناراحتی پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) می شد خداوند به وسیله خدیجه (سلام الله علیها) گشایش در کار او ایجاد می کرد و او را تسکین می داد و او را به آرامش می رساند.

در تمام صحنه های پر خطر و سرنوشت ساز همچون: ۱. اعلام بعثت ۲. دعوت در آن فضای پر از تعصب و تاریک اندیشی ۳. اقامه نماز و فرهنگ آن ۴. دعوت بستگان و نزدیکان (ابن اثیر جوری، علی بن محمد، الکامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۶۳؛ ابن جوری، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی، المنتظم فی التاریخ الامم والملوک، ج ۲، ص ۳۶۷؛ ابن سعد واقدی، ابوعبدالله محمد، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۴۷؛ حاکم حسکانی، عبیدالله بن احمد، شواهد التنزین لقوائد التفضیل، ج ۱، ص ۴۸۵).

بیعت با خدا به دین و آیین پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) در تمامی مسائل و مشکلات ایشان یار و همراه پیامبر بودند همواره با مشاوره های عالی اندوه را از دل پیامبر برطرف می کردند و پشت گرمی و قوت قلبی بودند نه تنها برای پیامبر بلکه برای تمام مسلمانان و این به خاطر ایمان بالایی بود که ایشان دارا بودند. حضرت خدیجه (سلام الله علیها) همواره پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) را به مقاومت و پایداری تشویق می کردند، با دادن راه حل و درایت هایی که داشتند به پیامبر «صلی الله علیه و آله و سلم» انگیزه می دادند و راه را برای ایشان هموار می کردند. ایشان تا آخرین لحظه عمر خود اینگونه عمل کرد.

۴. صبر بر مشکلات

حضرت خدیجه (سلام الله علیها) همواره در زندگی صبوری می کرد و در مقابل مشکلات سر خم نمی کرد. مشکلات و سختیها از سخن های گزنده، اهانت، جسارت، دروغ بستن به پیامبر و خانواده ایشان، تا بی اعتنایی هایی که زنان جاهل مغرض قریش به خدیجه (سلام الله علیها) داشتند به این دلیل که با آن حشمت و شوکتی که داشت با یتیم ابوطالب «علیه السلام» یعنی محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) که فقیر و تهیدست بود ازدواج کرده است.

حضرت همه اینها را تحمل می‌کرد و خداوند به پاس این صبوری‌ها موقع وضع حمله زهرا (سلام الله علیها) چهار بانوی بهشتی را به یاری خدیجه «س» فرستاد و او را مورد رحمت و لطف خودش قرار داد (مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، جلد ۱۶، صفحه ۷۰_ ۷۱؛ سیلاوی، غالب، الانوار الساطعه من الغزاء الطاهره، ص ۱۰۲).

ایشان همچنین سال‌هایی طولانی شکنجه‌های روحی و جسمی دژخیمان مخالف که با دعوت به توحید و و تقوا و رعایت مقررات خدا و حقوق بشر پیامبر «صلی الله علیه وآله و سلم» بودند، تحمل کرد و با پیامبر «صلی الله علیه وآله و سلم» همراهی نمود و به هیچ قیمتی از خدا و پیامبر «ص» دست برنداشت و محاصره و گرسنگی و روزهای دشوار را تحمل کرد (طبری، محمد بن جدید، تاریخ طبری، جلد ۲، صفحه ۷۹؛ ابن هشام حمیدی، ابو محمد عبدالملک، السیره النبویه، جلد ۱، صفحه ۳۷۹).

و مصیبت جانسوز دیگری که بر حضرت در طول زندگی واقع شده بود، از دست دادن دو پسرش قاسم و عبدالله بود که خدیجه (سلام الله علیها) بر این مصیبت‌ها گریه می‌کرد. ولی صبوری بدون نتیجه نمی‌ماند چرا که او از جانب پیامبر مژده داده شد که در روز قیامت جلوی در بهشت پسران خود را خواهد دید و با آنها به بهشت وارد خواهد شد (کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، الکافی، جلد ۳، صفحه ۲۱۸؛ شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، جلد ۳، صفحه ۲۴۳).

۵. ایجاد فضای پر برکت و معنوی در خانه

حضرت خدیجه (سلام الله علیها) با اعمال و رفتاری که داشت و به خواست خدا، خانه او به مکانی مقدس تبدیل شده بود، که این سرا سرای سعادت‌زا و پربرکت و معنویت و تاریخ‌ساز باقی ماند.

به گواهی محدثان و تاریخ‌نگاران این خانه قبل از ورود وحی و بعثت پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) و قبل از آنکه حضرت خدیجه با پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) خانه پاکی و پروا بود، چرا که حضرت خدیجه (سلام الله علیها) همواره در آن خانه به انفاق و رسیدگی به محرومان و درماندگان جامعه، انجام کارهای شایسته‌ای که از آموزه‌های پیامبران پیشین در کتاب‌های آسمانی یاد گرفته بود، می‌پرداخت.

و نیز این خانه بعداً شاهد کانون مهر و محبت پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) و حضرت خدیجه (سلام الله علیها) بود، که با حضور پیامبر در این خانه پر برکت تر شد و نیز مکانی برای عروج پیامبر به سفر یا سفرهای معراج بود و نیز حضرت زهرا (سلام الله علیها) در این خانه به دنیا آمد و محل رشد و شکوفایی آن حضرت بود و از همه برتر اینکه این خانه محل رفت و آمد فرشتگان بود و نیز شاهد شبی پر خطر بود که علی (علیه السلام) در بستر پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) خوابید. تمام این اتفاقات در این خانه رخ داد و اینها همه به خاطر تدبیر و

مدیریتی بود که خدیجه (سلام الله علیها) داشت و با تکیه بر خداوند فضایی را برای خانه ایجاد کرده بود که شایسته یک چنین اتفاقات بزرگی بود.

سبک زندگی حضرت خدیجه (سلام الله علیها) در بعد مادی

۱. قدرت مدیریت

اسناد تاریخی گواه و شاهد آن است که حضرت خدیجه (سلام الله علیها) زن شریف و ثروتمندی بود و صاحب امکانات فراوانی بود که به تجارت گسترده مشغول شده بود.

ایشان کارگزاران و کارمندان و عوامل اجرایی خود را از میان انسان‌های سالم و امانتدار و درستکار و آزمون شده استخدام می‌کرد، و خودشان هم در مرکز و خانه و محل کارش می‌نشست و این کاروان تجارتي را با مدیریت قوی خود هدایت می‌کرد، و به کارهای اقتصادی خود می‌رسید.

این ثابت کننده آن است که زن با عفت و حیا و با رعایت آن چه که خدا برای او در نظر گرفته است نیز می‌تواند فعالیت‌های گوناگونی داشته باشد و به موفقیت زیادی دست پیدا کند و نیاز به بیرون رفتن از خانه و خسته کردن خود در اجتماع نیست.

حضرت خدیجه (سلام الله علیها) با دقت در انتخاب وقت و فرصت و نوع کالا، و مقدار آن، حرکت و بازگشت و توقف کاروان را با آگاهی از زمان و مکان طوری تنظیم و تدبیر و برنامه‌ریزی می‌کرد که مورد تحسین کاروان بزرگ تجاری اش بود. از یمن به حجاز می‌رفت، از حجاز به شام و دیگر مراکز مهم اقتصادی و تجاری و سود سرشار و عادلانه و فراوانی به دست می‌آورد.

قدرت مدیریت حضرت زمانی بیشتر به چشم می‌خورد که شرایط جاهلیت آن زمان را در نظر گرفت. در زمانی که زنده به گور کردن دختران رسم اعراب جاهلی بود و زن کاملاً از فعالیت‌ها محروم بود، در چنین زمانی یک دختر هوشمند و پاک منش با مدیریت و توانمندی و ظرفیتی که داشت، ابتکار به خرج داد و به ثروتمندترین زن عرب تبدیل شده بود که با تکیه بر خداوند کارهای خویش را پیش می‌برد.

تجارت و اموال ایشان آغشته به ربا، کم فروشی، فریب، بهره‌کشی، حرام خواری و فسادهای دیگری که در آن زمان بین اعراب رایج بود، نبود. و خداوند به مال او برکت داده بود به سبب این پاک سرشتی که داشت.

۲. ابتکار و استقلال جویی

استقلال جویی، استقلال طلبی و استقلال اندیشی این بانو از لابه لای رفتار و کردار شایسته اش پیدا می شود. و این از برجستگی ها و امتیازات بلند او به شمار می رود، چرا که اگر انسان از نظر فکری و اندیشه متکبر و مستقل نباشد، نمی تواند در میدان عمل و تجارت و مدیریت و حساس ترین لحظات تصمیم گیری، به طور مستقل فکر و عمل کند.

حضرت خدیجه (سلام الله علیها) بر اساس این ویژگی بود که ده ها خواستگار دارنده زر و زیور و کاروان تجارتي و سایر امکانات را قبول نکرد و به همه آنها «نه» گفته و طوری عمل کرد که همه فکر کردند او تصمیم ندارد ازدواج کند، اما ایشان زمانی که با انسانی امین، پاکدل، متفکر، شایسته کردار و روح بزرگ یعنی محمد آشنا شد همه آداب و رسوم جاهلی و خرافی را مسخره کرده، خود پیشنهاد ازدواج به محمد (صلی الله علیه و آله) را داد.

در این حال بود که غوغایی به پا شد از این جهت که دختری مثل خدیجه (سلام الله علیها) که دارای ثروت زیاد و قدرت است، با جوانی ازدواج کرده که از لحاظ مالی تهی دست است. اما حضرت خدیجه (سلام الله علیها) مال دنیا برایش مهم نبود، بلکه آنچه برای آن حضرت مهم بود، ایمان و شخصیت حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) بود، که حضرت ایشان را انتخاب کرد و تمام اموال خود را به ایشان بخشید و نشان داد که، حسن انتخاب، حسن عاقبت، سعادت شخصیت، عظمت، شکوه و... چیزی است که برای به دست آوردن آن، نه تنها پول، کاروان تجارتي، زر و زیور، شهرت و قدرت مهم نیست، بلکه باید از هستی گذشت.

یکی از اسناد تاریخی آورده است: «و کانت خدیجه امراه حازمه سبيله شریفه... قالت یابن عم! انی رغبت فیک لقرابتک منی و شرفک من قومک و امانتک عندهم و صدق حدیثک و حسن خلقک : خدیجه به راستی بانوی خردمند و خردورز و بسیار پر شرافت بود.

او در روزگار خود از نظر ریشه و تبار از بهترین های قریش بود و از نظر ثروت و امکانات، ثروتمندان آن ها بود. بسیاری از چهره های سرشناس عرب و عجم برای پیوند با او سخت می کوشیدند و خواستگار بیقرار او بودند، اما او به آنان پاسخ منفی داد و در همان حال خود با هوشمندی و آینده نگری به خواستگاری پیامبر رفت و گفت: من به خاطر خویشاوندی و همفکری و به دلیل شرافت، امانت، راستی و منش شایسته ات دل

در گرو مهر تو دارم و به آن هستم که اگر بپذیری با تو پیمان زندگی مشترک امضا کنم.» (سبط ابن جوزی، شمس الدین یوسف ابن قزاوغلی، تذکره الخواص، ص ۲۷۱).

با الگو گرفتن از خدیجه (سلام الله علیها) در میابیم آنچه که مهم است پول ثروت و قدرت نیست و این موارد خوشبختی و آرامش نخواهد آورد، بلکه آنچه مهم است ایمان قوی و شخصیت الهی افراد است که بهترین از لحاظ دین و ایمان را باید انتخاب کرد.

۳. هدف‌داری و فداکاری

حضرت خدیجه (سلام الله علیها) برای زندگی خویش هدف والایی داشت، هدفی فراتر از زر و زیور دنیا و کاروان‌های تجارته و... هدفی بالاتر از زندگی روزمره و خوردن و خوابیدن و هدفی ارجمندتر از آسایش و آرامش شخصی و خانوادگی.

این بانو در پس آن بود که شود آنچه که خدا می‌خواهد و وقتی به محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) رسید و در آنجا به عدالتخواهی، حق و ایمان، اخلاص، پاکی امانت، نجابت، شرافت، بشردوستی و کرامت، وجدان و فطرت و دیگر ارزش‌های انسانی و خداپسندانه را دید، خود را در نزدیکی هدفش احساس کرد و آنجا بود که به آرامش رسید.

اینجاست که پی می‌بریم چرا خدیجه (سلام الله علیها) مشاور و یار پیامبر «صلی الله علیه و آله و سلم» در فراز و نشیب زندگی بودند، چرا که ایشان همواره در مسیر خداوند قدم بر می‌داشتند و مشاوره هایشان، یاری رساندن هایشان، همه منشا الهی و خدایی داشت و بهترین بود.

پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) همواره از ایشان مشورت می‌گرفتند و همواره از نیکی‌های خدیجه (سلام الله علیها) یاد می‌کردند. بسیار در تاریخ آمده است که پیامبر می‌فرمودند: «خدیجه و این مثل خدیجه؟» از خدیجه سخن گفتید! کجا مانند او پیدا می‌شود؟» (مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، جلد ۱۶، صفحه ۱).

۴. حق جویی و حق پذیری

بسیارند افرادی که به وسیله آنچه که دارند از راه به در می‌شوند. یکی با ثروت و قدرتی که دارد، یکی با زیبایی ظاهری اش، یکی با علم و دانشی که دارد، غرق می‌شود در آنچه که دارد و هر چیزی که دارد را از آن خود می‌داند و آن را آفریده دست خود می‌داند.

اما خدیجه (سلام الله علیها) با آن که ثروت بسیاری داشت و غرق در زر و زیور، جمال و کمال، شور و شعور، عقل و درک، شهرت و آواز و استقلال و... بود، اما از آفت‌ها و مستی‌های آنها خود را حفظ کرد، چرا که دارای روح حق‌پذیری و حق‌جویی بود.

به خاطر همین هم نخستین ایمان آورنده به خدا و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و از زنان و پیشگام‌ترین در اسلام و نماز و هجرت و جهاد و فداکاری بود و پاداش این حق‌پذیری هم آن بود که «خداوند پرمهر بنده نواز، به فرشته وحی فرمان داد که در وقت فرود بر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) درود و سلام او را هم به وسیله بنده برگزیده شده اش به خدیجه (سلام الله علیها) برساند، تا ثابت شود که خدا به پاداش آن ایمان خالص و ژرف و آن اعمال شایسته و پایدار، مقرر زیبایی در بهشت برای او آماده کرده است.» (محلّاتی، ذبیح الله، ریاحین الشریعه، جلد ۲، صفحه ۲۰۷؛ مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، جلد ۴۳، صفحه ۱۳۰).

۵. درایت و خردمندی

نعمت خرد و خرد ورزی یعنی نگاه متفکرانه داشتن به آنچه که خداوند آفریده است و دقت در ارتباط آن‌ها و شناخت روابط شان یعنی دقت در سازمان و جودی خودمان که چه هستیم و که هستیم و به کجا خواهیم رفت.

«العقل ما عبد به الرحمن و اكتسب به الجنان: عقل آن است که به وسیله خدای رحمان پرستش شود و به وسیله آن بهشت نصیب انسان شود.» (سبط ابن جوزی، شمس الدین، یوسف بن قزاوغلی، تذکره الخواص، صفحه ۲۷۲).

با دقت در معنای عقل در می‌یابیم که خدیجه (سلام الله علیها) خردمندترین بانوان روزگار است، چراکه او در پرتو خروش، نخستین بانویی بود که ایمان و اسلام آورد. هم راز و هم سنگر و مددکار پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) شد و همه هستی خود را خردمندانه برای ساختن دنیا و آخرتش ریخت و فدا کرده بود.

او در این راه جهاد و فداکاری می‌کرد، کاری که خدیجه (سلام الله علیها) انجام داد کمتر کسی می‌تواند انجام دهد.

او با همه عظمت و شوکت و مال و اموال با پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) که از لحاظ مالی هیچ نداشت، ازدواج کرد و تمام ثروت و مال و اموال خود را در راه دین خدا خرج کرد و شد همیار و دلدار و مددکار

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و تمام این ها گواه آن است که این بانو از ایمان سرشار و قوی برخوردار بوده است.

یکی از نوشته‌های تاریخی می‌گوید: «و کانت من احسن النساء جمالا و اکملهن عقلا، و اتمهن رایا، و اکثرهن عفة و ذیا و حیا و مروءة و مالا...؛ خدیجه در زیبای ظاهری و باطنی، زیباترین زنان روزگارش بود و از نظر خرد و اندیشه خردمندترین و اندیشمندترین آنان، او در پاک روشی و پاک منشی، دین باوری و خداجویی، وقار و حیا و عزت و آزادگی، آراسته ترین آنها بود و در ثروت و امکانات ثروتمندترین آنها به شمار می‌رفت» (علامه طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، جلد ۲، صفحه ۳۷۶، به نقل از الکافی، جلد ۱، صفحه ۱۱).

نتیجه گیری

آنچه از سیره حضرت خدیجه (سلام الله علیها) می‌توان نتیجه گرفت آن است که انسان با داشتن پشتوانه‌ای چون خداوند می‌تواند آنی باشد که باید. حضرت خدیجه «سلام الله علیها» با تکیه بر خداوند و داشتن ایمان قوی در تمام مراحل زندگی خویش موفق بودند. ایشان تمام اموال و دارایی خویش را به خاطر خداوند و در راه خداوند بخشیدند و ذره‌ای در این کار تردید نکردند، چرا که سعادت خویش را در داشتن اموال زیاد نمی‌دیدند، بلکه در خدمت در راه خدا می‌دیدند.

حضرت (سلام الله علیها) با مردی ازدواج کردند که از لحاظ مالی تهی دست بود و قدرتی نداشت، اما ایمان و اخلاق و سرشاری را دارا بود. این برای ما گواه آن است که در انتخاب همسر باید سراغ کسی برویم که نزدیک‌ترین به خداوند است، نه آن که مال و اموال زیادی دارد. در کسب و کار و تجارت باید پشتوانه‌ای الهی داشته باشیم و مبنایمان بر این باشد که حدود الهی را رعایت کنیم. در اموال حضرت خدیجه (سلام الله علیها) ذره‌ای لکه سیاه نبود چرا که با کم فروشی و فسادهای از این قبیل که رایج آن زمان بود، در آن وجود نداشت. این باعث شده بود حضرت «سلام الله علیها» اعتبار پیدا کند و مال و اموالش برکت پیدا کرده بود و این پاداشی بود از جانب خداوند رحمان.

اینکه آن حضرت با داشتن آن همه امکانات و ثروت از لحاظ مادی و داشتن زیبای ظاهری و باطنی، عقل و درک بالا، هوش زیاد، مدیریت و قدرتش از لحاظ معنوی به خود مغرور نشدند و هر آنچه که داشتند را عنایت خداوند می‌دانستند و این سبب هدایت ایشان بود. نکته دیگر، عفت و حیای حضرت و رعایت

حجابشان بود که هیچ کدام مانع از فعالیت‌های اجتماعی ایشان نبود، بلکه ایشان ثروتمندترین زن عرب بودند و نسبت به زنان هم عصر خود بیشترین فعالیت را داشتند.

این گواه آن است که دین و ایمان و رعایت حدود الهی مانع از پیشرفت انسان نمی‌شود، بلکه در موفقیت انسان بسیار تاثیر گذار خواهد بود. در کل آنچه را که باید مد نظر داشت، ترجیح میل و خواست خداوند بر خواست و میل خودمان است. آن گونه که حضرت خدیجه (سلام الله علیها) در زندگی خویش از ابتدای عمر تا انتها مطابق حکم الله عمل کرد، چرا خداوند برای انسان بد نمی‌خواهد و صلاح او را بهتر از خودش می‌داند.

منابع

۱. ابن اثیر جوری، علی بن محمد، *الکامل فی التاریخ*، ج ۲.
۲. ابن جوری، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی، *المنتظم فی التاریخ الامم والملوک*، ج ۲.
۳. ابن سعد واقدی، ابو عبدالله محمد، *الطبقات الکبری*، ج ۱.
۴. ابن سید الناس، ابوالفتح محمد یعمری، *عیون الاثر*، ج ۱.
۵. ابن هشام حمیدی، ابو محمد عبدالملک، *السیره النبویه*، ج ۱.
۶. بیقهی، احمد بن حسین *دلایل النبوه*، ج ۱.
۷. حاکم حسکانی، عبیدالله بن احمد، *شواهد التنزین لقوائد التفضیل*، ج ۱.
۸. راوندی قطب الدین، *الخرائج و الجوائج*، ج ۱.
۹. سبط ابن جوزی، شمس الدین یوسف ابن قزاوغلی، *تذکره الخواص*.
۱۰. سید ابن طاووس، علی بن موسی، *الاقبال*.
۱۱. سید بن طاووس، علی بن موسی، *منهج الدعوات*.
۱۲. سیلاوی، غالب، *الانوار الساطعه من الغزاء الطاهره*.
۱۳. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعه*، ج ۳.
۱۴. طبری، محمد بن جدید، *تاریخ طبری*، ج ۲.
۱۵. علامه طباطبایی، سید محمد حسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ج ۲.
۱۶. کفعمی، ابراهیم بن علی، *مصباح کفعمی*.
۱۷. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، *الکافی*، ج ۳.

۱۸. مامقانی، عبدالله بن محمد حسن، تنقیح المقال فی احوال الرجال، ج ۳.

۱۹. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۱۶، ج ۱۹، ج ۴۳.

۲۰. محلاتی، ذبیح الله، ریاحین الشریعه، ج ۲.

۲۱. یاقوت حموی، شهاب الدین ابی عبدالله، معجم البلدان، ج ۱.